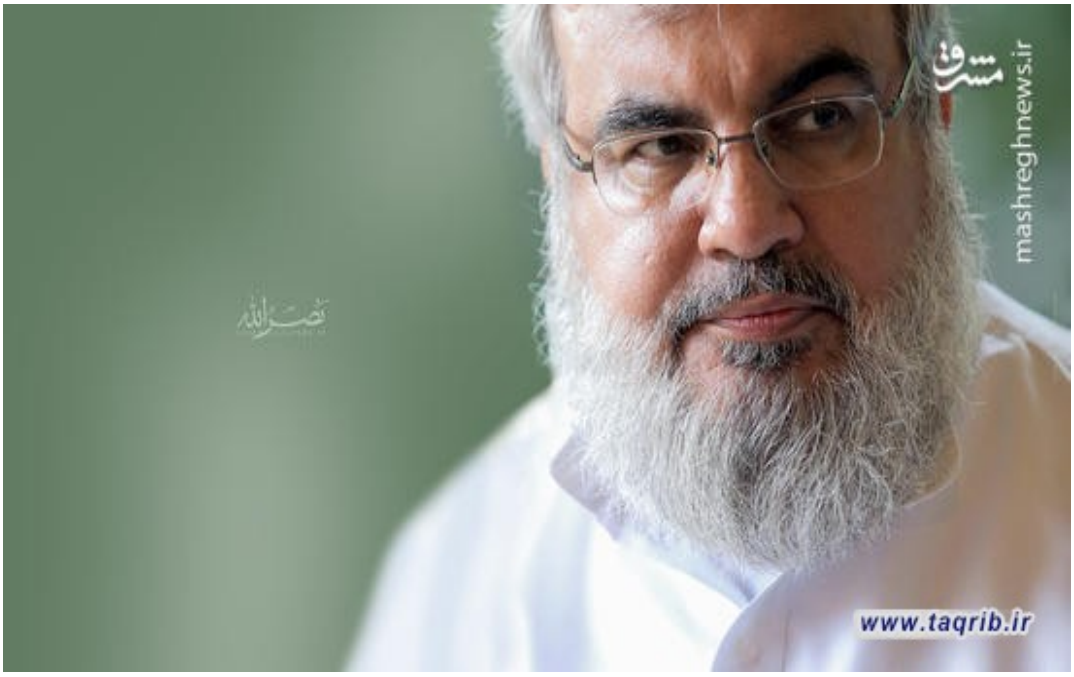
از رهبری مقاومت تا صورت‌بندی وحدت امت اسلامی



در ارزیابی شخصیت‌های اثرگذار معاصر جهان اسلام، معمولاً کارنامه سیاسی، نظامی و مواضع آنان در قبال تحولات منطقه در مرکز توجه قرار می‌گیرد؛ اما درباره سید حسن نصرا، یک وجه دیگر نیز اهمیت ویژه دارد: تلاش برای تبدیل مقاومت از یک پروژه صرفاً سازمانی و سیاسی به مسئله‌ای فراتر از مرزبندی‌های مذهبی و قومی و پیوند دادن آن با مفهوم وحدت امت اسلامی.

«معن بشور»، دبیرکل سابق کنگره ملی عربی، در روایتی که درباره شناخت چنددهه‌ای خود از سید حسن نصرا ارائه کرده، بر ویژگی‌هایی همچون تواضع، صداقت، اعتماد و توانایی برقراری ارتباط با جریان‌های مختلف تأکید می‌کند. این روایت، صرفاً توصیف ویژگی‌های فردی یک رهبر نیست؛ بلکه می‌توان آن را از منظر کارکرد سیاسی و اجتماعی نیز بررسی کرد. در این نگاه، تواضع و ارتباط مستقیم با گروه‌های مختلف، بخشی از ظرفیت یک رهبر برای عبور از مرزهای هویتی و ایجاد ائتلاف‌های گسترده‌تر است.

وحدت؛ از شعار سیاسی تا منطق رفتاری

یکی از نکات مهم در روایت بشور، تأکید او بر این است که سید حسن نصرا وحدت را صرفاً در سطح ادبیات سیاسی مطرح نمی‌کرد، بلکه آن را در مناسبات خود با جریان‌های مختلف دنبال می‌کرد. در این چارچوب، وحدت برای او در چند سطح قابل مشاهده بود: وحدت ملی در لبنان، همگرایی عربی، وحدت میان مسلمانان و در سطحی گسترده‌تر، همبستگی انسانی.

اهمیت این رویکرد در جامعه‌ای مانند لبنان بیشتر آشکار می‌شود؛ جامعه‌ای که ساختار سیاسی و اجتماعی آن بر تنوع مذهبی و طایفه‌ای استوار است و هرگونه تبدیل اختلاف سیاسی به نزاع هویتی می‌تواند پیامدهایی فراتر از یک رقابت سیاسی داشته باشد.

از این منظر، مفهوم «مقاومت» در اندیشه و رفتار سیاسی نصرا، دست‌کم در روایت حامیان و نزدیکان او، زمانی می‌توانست پایدار بماند که به عامل شکاف داخلی تبدیل نشود. به همین دلیل، بشور تأکید می‌کند که نصرا بر این باور بود که مقاومت باید وحدت‌بخش باشد و ورود آن به منازعات فرقه‌ای می‌تواند ظرفیت اجتماعی و سیاسی آن را تضعیف کند.

عبور از مرزهای مذهبی در سیاست داخلی لبنان

یکی از نمونه‌های قابل توجه در این زمینه، تفاهم حزب‌ا و جریان آزاد ملی لبنان در سال ۲۰۰۶ است که با امضای میشل عون و سید حسن نصرا در کلیسای مارمخائیل شکل گرفت. فارغ از ارزیابی‌های سیاسی متفاوت درباره این توافق، نفس شکل‌گیری آن نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد یک چارچوب همکاری میان دو جریان با پایگاه‌های مذهبی متفاوت بود.

این تجربه را می‌توان در چارچوب پیچیده سیاست لبنان مطالعه کرد؛ جایی که همکاری میان جریان‌های شیعه و مسیحی، صرفاً یک ائتلاف انتخاباتی یا مقطعی نبود و در مقاطعی به یکی از سازوکارهای تنظیم روابط سیاسی داخلی تبدیل شد.

از همین منظر، روایت بشور درباره روابط نصرا با رفیق حریری نیز قابل توجه است. تأکید او بر اینکه نصرا از گفت‌وگو با حریری و نتایج آن استقبال می‌کرد، نشان می‌دهد که اختلاف سیاسی الزاماً به معنای نفی امکان گفت‌وگو و تعامل تلقی نمی‌شد.

وحدت در برابر منطق جنگ داخلی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های روایت بشور، مربوط به دوره‌هایی است که لبنان در معرض خطر تبدیل اختلافات سیاسی به درگیری‌های فرقه‌ای قرار داشت. در چنین شرایطی، مسئله اصلی تنها موضع‌گیری یک جریان سیاسی نبود؛ بلکه نحوه مدیریت اختلافات در جامعه‌ای متکثر بود که تجربه طولانی جنگ داخلی را در حافظه تاریخی خود داشت.

در این چارچوب، مواضعی که بشور به نصرا نسبت می‌دهد، بر یک اصل متمرکز است: اختلاف سیاسی نباید به جنگ مذهبی تبدیل شود.

این اصل، از منظر مسئله وحدت اسلامی اهمیت مستقلی دارد. وحدت به معنای حذف اختلافات نیست؛ بلکه در یکی از خوانش‌های واقع‌گرایانه خود، به معنای ایجاد سازوکارهایی برای جلوگیری از تبدیل اختلافات طبیعی سیاسی، مذهبی و اجتماعی به منازعه‌ای ویرانگر است. تجربه لبنان نشان می‌دهد که این مسئله صرفاً یک بحث نظری نیست و می‌تواند مستقیماً با ثبات سیاسی و اجتماعی ارتباط پیدا کند.

وحدت امت اسلامی و مسئله فلسطین

در روایت ارائه‌شده از سوی بشور، مسئله فلسطین نیز نقطه اتصال دیگری میان مقاومت و وحدت اسلامی است. قرار دادن قدس و مسئله فلسطین در سطحی فراتر از یک مناقشه داخلی یا عربی، امکان شکل‌گیری نوعی همگرایی میان گروه‌ها و جریان‌هایی با پیشینه‌های متفاوت را فراهم می‌کند.

در این چارچوب، نصرا تلاش داشت مقاومت را به موضوعی محدود به یک مذهب یا یک جامعه تبدیل نکند و آن را در چارچوب مسئله‌ای عمومی‌تر در جهان عرب و اسلام تعریف کند. اینکه این رویکرد تا چه اندازه در عرصه سیاسی تحقق یافته یا با چه موانعی روبه‌رو بوده، موضوعی قابل بررسی مستقل است؛ اما در سطح گفتمانی، پیوند میان مقاومت، فلسطین و وحدت اسلامی یکی از عناصر مهم در میراث سیاسی او محسوب می‌شود.

مواجهه با اختلافات درون جهان اسلام

بخش دیگری از روایت بشور به مواضع نصرا در قبال بحران‌های منطقه‌ای، از جمله عراق و سوریه، مربوط است. در این بخش باید میان روایت حامیان نصرا از عملکرد او و ارزیابی تاریخی مستقل از سیاست‌های حزب‌ا تمایز گذاشت. تحولات عراق و سوریه از پیچیده‌ترین بحران‌های منطقه در دهه‌های

اخیر بوده‌اند و درباره نقش بازیگران مختلف در آنها دیدگاه‌های متفاوت و گاه متعارض وجود دارد.

با این حال، از منظر موضوع وحدت، یک نکته قابل بررسی است: نصرا در بسیاری از مواضع خود بر خطر تبدیل اختلافات سیاسی به منازعات فرقه‌ای تأکید داشت. این مسئله به‌ویژه در منطقه‌ای اهمیت پیدا می‌کرد که همزمان با تحولات سیاسی، شبکه‌های مسلح فرقه‌گرا و گفتمان‌های تکفیری نیز فعال شده بودند.

در چنین شرایطی، وحدت اسلامی را نمی‌توان صرفاً در قالب نشست‌ها و بیانیه‌ها تعریف کرد. یکی از معیارهای مهم آن، توانایی جوامع اسلامی برای جلوگیری از تبدیل اختلاف مذهبی به خشونت سازمان‌یافته و منازعه اجتماعی است.

معنای رهبری در تجربه نصرا

آنچه در روایت بشور بیش از همه جلب توجه می‌کند، پیوند میان ویژگی‌های اخلاقی و کارکرد سیاسی رهبری است. تواضع، صداقت و ارتباط مستقیم با مردم، در این روایت صرفاً فضایل فردی نیستند؛ بلکه عواملی معرفی می‌شوند که به رهبر امکان می‌دهند میان گروه‌های مختلف اعتماد ایجاد کند.

از این منظر، رهبری در جامعه متکثر تنها به معنای هدایت نیروهای همفکر نیست؛ بلکه توانایی ایجاد ارتباط با کسانی است که الزاماً در همه مبانی سیاسی و فکری با یکدیگر اشتراک ندارند.

در مورد سید حسن نصرا، این ویژگی را می‌توان در نسبت میان سه دایره بررسی کرد: مقاومت، لبنان و امت اسلامی. هرچه این سه دایره از یکدیگر جدا شوند، امکان تبدیل مقاومت به یک پروژه محدود هویتی افزایش می‌یابد؛ اما هرچه پیوند آنها بر مبنای منافع مشترک، مسئله فلسطین و جلوگیری از نزاع فرقه‌ای تعریف شود، دامنه اجتماعی آن گسترده‌تر خواهد شد.

میراث نصرا و مسئله امروز وحدت

سالگرد شهادت سید حسن نصرا، فرصتی برای بازخوانی این پرسش نیز هست که در شرایط کنونی جهان اسلام، چگونه می‌توان میان تفاوت‌های مذهبی و سیاسی از یک سو و ضرورت همکاری از سوی دیگر توازن برقرار کرد.

تجربه نصرا ـــ فارغ از اختلاف‌نظرهایی که درباره عملکرد سیاسی و منطقه‌ای او وجود دارد ـــ یک واقعیت مهم را به بحث می‌گذارد: هیچ پروژه‌ای برای مقاومت، استقلال یا دفاع از منافع جهان اسلام، در محیطی آکنده از شکاف‌های فرقه‌ای، بدون توجه به مسئله وحدت نمی‌تواند از پیامدهای این شکاف‌ها مصون بماند.

وحدت نیز الزاماً به معنای یکسان‌سازی دیدگاه‌ها نیست. اتفاقاً در جوامع متکثر، وحدت زمانی معنا پیدا می‌کند که امکان اختلاف باقی بماند، اما اختلاف به نفرت، تکفیر و خشونت تبدیل نشود.

شاید از همین زاویه بتوان یکی از مهم‌ترین وجوه میراث سید حسن نصرا را فهم کرد: تلاش برای آنکه مقاومت، در چارچوب روایت حامیانش، نه عامل تشدید شکاف‌های مذهبی، بلکه ابزاری برای گردهم‌آوردن نیروهای مختلف پیرامون یک مسئله مشترک باشد. این نگاه، وحدت را از سطح یک شعار سیاسی به سطح یک ضرورت راهبردی ارتقا می‌دهد؛ ضرورتی که در برابر تجربه تلخ جنگ‌های فرقه‌ای و شکاف‌های درونی جهان اسلام، همچنان موضوعی اساسی و قابل تأمل است.